

## پژوهشی در ارتباط دختر و پسر در دانشگاهها و نقد دیدگاهها

\* انسیه ماهینی

\*\* عزت دیره

### چکیده

پژوهش حاضر در صدد است، ضمن توصیف وضعیت موجود در دانشگاه‌های کشور - از طریق انجام تحقیقی میدانی - و ارائه برآورده از نگرش دانشجویان به رابطه با جنس مخالف و میزان پاییندی به آنها باورهای دینی، به بررسی آرای موجود در این خصوص بپردازد. براساس تحقیق میدانی مزبور، نگرش دانشجویان نسبت به رابطه با جنس مخالف و تأثیر باورهای مذهبی آنها، در حد متوسط ارزیابی شد. افزون بر این، سه نظریه مطرح در این‌باره، یعنی نظریه‌های اضطرار، اختلاط و اعتدال یا معروف، بررسی شد که نظریه اعتدال به رغم داشتن نقاط ضعف، با آموزه‌های دین اسلام مطابقت بیشتری دارد. از این‌رو سعی شد با استفاده از آموزه‌های دینی، نظریه «اعتدال با رویکرد تقلیل و کاهش روابط زن و مرد» طرح، و راهکارهایی جهت رسیدن به وضعیت مطلوب در روابط دختران و پسران، از جمله کنترل و تعدیل غریزه جنسی در سه محور خویشتن‌داری، ازدواج و آموزش ارائه گردد.

### واژگان کلیدی

ارتباط، بلوغ، هویت جنسی، دختران و پسران، جنس مخالف، اضطرار، اختلاط، اعتدال.

### طرح مسئله

بحث «روابط دختران و پسران» از عناوین و موضوعات اخلاق کاربردی است، با توجه به گستردگی زیرمجموعه‌های اخلاق کاربردی، این مسئله را می‌توان ازمسائل «اخلاق جنسی» برشمرد. اخلاق

nc1388@hotmail.com

\*. عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر.

ezatdeyreh@yahoo.com

\*\*. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۱۲

«معضلات اخلاقی در روابط زنان و مردان / دختران و پسران» است. (بنگرید به: جمی از نویسنندگان، ۱۳۸۸: ۷۷) را می‌توان از جمله این مسائل و مرتبط با بحث مورد نظر ما در مقاله دانست.

این مسئله به صورت خاص به جوانان مرتبط است. سهم برجسته و تعیین‌کننده جوانان در جنبش‌ها و تغییرات اجتماعی و پیشگامی آنها در پذیرش نوآوری بهویشه فناوری اطلاعات و ارتباطات، تحولات در چرخه زندگی، طولانی شدن دوره جوانی، تغییر در تربیت و میزان اهمیت مؤلفه‌های مربوط به گذار از کودکی به بزرگسالی، اهمیت یافتن مصرف و رواج خردمندگاه و سبک‌های متنوع زندگی، تداوم مشکلات مربوط به شهرهوندی و ادغام اجتماعی جوانان و آسیب‌پذیری ملی حقوق اجتماعی جوانان، از جمله ادله و زمینه‌هایی‌اند که موضوع جوانی و جوانان را به عنوان مقوله‌ای اجتماعی، زیستی، فرهنگی و سیاسی، به موضوعی محوری و جذاب برای مطالعات دانشگاهی تبدیل ساخته‌اند. (ذکایی، ۱۳۸۶: ۷)

بسیاری از این جوانان، دختران و پسران دانشجویی هستند که حداقل در محیط دانشگاه، مجبورند ارتباط نسبتاً مستمری با جنس مخالف خود داشته باشند. پس از پایان تحصیل نیز دختران به کار در محیط‌های بیرون خانه و حضور در اجتماع علاقه دارند که میزان ارتباط آنان با مردان را افزایش می‌دهد. در نوع مواجهه با این شرایط معمولاً جوان دچار نوعی تضاد و تنش می‌گردد؛ زیرا، از طرفی در جامعه نمی‌توان این دو جنس را کاملاً از هم جدا ساخت و از طرف دیگر ابهام در نحوه ارتباط با جنس مخالف و محدوده آن و نیز تمایل غریزی جوان به جنس مخالف او را دچار سردرگمی کرده است؛ بنابراین، نحوه سامان‌دهی ارتباطات مزبور متناسب با شرع و آموزه‌های دینی از جمله پرسش‌های اساسی قابل طرح در این‌باره است. همچنین مباحثی نظیر معنا، ضرورت و ملاک ارتباط، بیان دیدگاه‌های مختلف در این رابطه و بررسی ادله و نقد آنان قابل طرح و بررسی‌اند؛ از این‌رو، با توجه به آموزه‌های دین اسلام بررسی بایسته‌ها و نحوه روابط دختران و پسران خصوصاً در محیط‌های دانشگاهی، هم از نظر سلامت فردی و اجتماعی و هم به لحاظ اخلاقی و دینی بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه طبق پژوهش‌های انجام شده آسیب‌های اخلاقی به لحاظ فردی و اجتماعی جامعه جوان ما را به خصوص در محیط دانشگاه تهدید می‌کند روش ما در این تحقیق تلفیقی از هر دو نوع پژوهش کتابخانه‌ای و میدانی است که با بررسی آرای موجود در صدد دستیابی به راهکاری عملی در پرداختن به مسئله مورد نظر است.

### پیشینه بحث

در طول تاریخ چگونگی ارتباط و تعامل زن و مرد (جنس مخالف) فراز و فرودهای زیادی را طی نموده است. کشش فرد به‌سوی جنس مخالف جزو طبیعت انسان است که در دوره بلوغ (۱۷ یا ۱۸ سالگی) به

اوج خود می‌رسد (بنگرید به: کریمی، ۱۳۷۴: ۵۳)، روابط زن و مرد یا دختر و پسر در تمام ادوار تاریخ، حتی پیش از اسلام، خابطه و محدودیت‌های ویژه‌ای داشت؛ البته در این زمینه تفاوت‌های فراوانی میان ایران و جهان غرب وجود داشته است. دیدگاه‌های اندیشمندان و افراد اثرگذار غرب در جهت‌دهی‌های اجتماعی، مذهبی و فرهنگی در زمینه رفتار با جنس مخالف، معمولاً در یکی از دو جهت، یعنی افراط و تغییر قرار می‌گیرد. طبق دیدگاه برخی آیین‌ها و مکاتب در اعصار گذشته، رهبانیت و تجرد طلبی اصل بوده است. (بنگرید به: محمد قاسمی، ۱۳۷۳: ۲۶؛ دیلمی و آذری‌ایرانی، ۱۳۷۹: ۲۳۶ – ۲۳۴)

دیدگاه سرکوب غریزه جنسی، به دلیل مخالفت با طبیعت و اقتضایات واقعی وجود انسان، خود به خود محکوم به شکست بوده، مشکلات فراوانی را ایجاد نمود. حتی نمونه‌هایی از ناهنجاری‌های اخلاقی و روابط نامشروع در همین دوران در بین راهبان و راهبه‌های مسیحی مؤید این معناست. (مطهری، بی‌تا: ۶۴ به بعد) با همه این تفاصیل، در اروپا، با وجود تمام نابسامانی‌ها، هنجارها و ارزش‌های اخلاقی مشخصی در روابط زن و مرد تعریف شده بود و تا حدودی مرز میان روابط اخلاقی مشروع با رابطه‌های غیر اخلاقی و نامشروع معین بود. هرچند سریپچی از این حدود، بسیار رخ می‌داد، غیر اخلاقی بودن بعضی رفتارها تردیدناپذیر بود. (جوان، ۱۳۸۷: ۱۲۵) به عنوان مثال، پاکدامنی برای زنان و دختران ارزش بود؛ حتی در آغاز دوره رنسانس نیز دختران خانواده‌های اصیل برای حفظ عفت به ویژه پیش از ازدواج مراقبت می‌شدند و آنان از مردان غیر فامیل دوری کرده، حتی در صورت از دست دادن عفت، خودکشی می‌کردند. (ابونیا عمران: ۱۳۸۱: ۱۶۴)

به‌هرحال، افراط در سرکوب غریزه جنسی، جهان غرب را رفته‌رفته به سمت تغییر کشاند. تا آنجا که ارزش‌ها و هنجارهایی که پیش‌تر در رابطه‌های میان زن و مرد مطرح بود، به طور محسوس کم‌رنگ شد یا از اساس در آن تردید به وجود آمد و انقلاب جنسی در غرب شکل گرفت. این انقلاب که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ رخ داد، تعریف رفتار جنسی بهنجار را گسترش دارد. گفته شده مبانی نظری نظام رفتار جنسی امروز غرب به آرای برخی نظریه‌پردازان روابط آزاد مانند زیگموند فروید، (۱۸۵۶ م - ۱۹۳۹ م) برتراند راسل، (۱۸۷۳ م - ۱۹۷۰ م) کارل مارکس (۱۸۱۷ م - ۱۸۸۳ م) و فردریک انگلس (۱۸۲۰ م - ۱۸۹۵ م) باز می‌گردد. البته گروه‌ها، جریان‌ها و مکتب‌های مختلف دیگری همچون روان‌شناسان انسان‌گرا نیز بر روند شکل‌گیری اخلاق جنسی در غرب اثرگذار بودند.

البته باید توجه داشت که: دیدگاه‌های مبتنی بر روابط آزاد در بستر تاریخی، فرهنگی و اجتماعی مناسبی مطرح شدن؛ و گرنه نمی‌توانستد فرهنگ غرب را به این گستردگی دگرگون کنند. (جوان، ۱۳۸۷: ۱۳۲) سیر تحول این بحث در ایران را می‌توان به ایران پیش از اسلام، صدر اسلام تا اواسط دوره قاجار، اواخر دوره

قاجار تا پیروزی انقلاب اسلامی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و جامعه امروز ایران تقسیم نمود. ایرانیان باستان، جز برخی گروه‌های محدود، مانند پیروان مذک که در دوره‌ای به اشتراک جنسی معتقد بودند، همه بر ازدواج و حفظ اصالت خانوادگی و پرهیز از زیان دیدن شرافت خونی تأکید داشتند. درباره رابطه‌های اجتماعی نیز در بیشتر دوره‌ها، بر جلوگیری از اختلاط میان دو جنس به‌ویژه در خانواده‌های اصیل و طبقات بالای اجتماعی تأکید می‌شد. (بنگرید به: مظاہری، ۱۳۷۷)

با گسترش اسلام در ایران، فرهنگ غالب، براساس برداشت‌هایی از آموزه‌های اسلامی شکل گرفت. البته این فرهنگ، از برخی افراط و تفریط‌ها و اثرپذیری‌های قومی و بومی و امور خلاف اسلام نیز خالی نبود. به‌طورکلی، در میان همه قشرهای آبرومند، رعایت عفت و پوشش اسلامی و پرهیز از ارتباط با نامحرمان، ارزش بود. با وجود تمام فراز و نشیب‌ها، این فرهنگ تا اواسط دوره قاجاریه که جامعه ایرانی به تدریج با فرهنگ مغرب‌زمین آشنا شد، بر ایران حاکم بود و رقیبی برای آن وجود نداشت. (بنگرید به: حجازی: ۱۳۷۶؛ همو: ۱۳۸۱؛ دلریش: ۱۳۷۵) اولین نشانه‌های دگرگونی فرهنگی و گرایش به فرهنگ غرب در روابط زن و مرد را می‌توان از میانه‌های دوره قاجار در ایران پی گرفت. پس از روی کار آمدن سلسله پهلوی، با نفوذ بیشتر فرهنگ غرب و تلاش روشنفکران غرب‌زده، راه کارهای آسان و مشروع برقراری بیشتر روابط، مانند ازدواج موقت، ناپسند دانسته شد و تلاش گستردگی برای ترویج روابط آزاد و نفی هنجارهای شرعی و عرفی در روابط زن و مرد صورت گرفت.

پیروزی انقلاب اسلامی، دگرگونی فرهنگی بنیادینی را در جامعه ایران رقم زد، تا آنجا که انقلاب اسلامی ایران، انقلاب حجاب نام گرفت.

پس از گذشت چند سال از پیروزی انقلاب، به تدریج نشانه‌های نفوذ فرهنگی غرب نیز نمایان شد. اختلاط‌های به وجود آمده در سطح جامعه چه در محیط‌های کاری و چه در محیط‌های علمی و عدم آشنایی بیشتر مردم با محدوده روابط، موجب بروز دوگانگی فرهنگی در جامعه شد به‌طوری که گاهی در فضاهای دانشگاهی، ارتباط‌های نزدیکی بین دختران و پسران وجود دارد که در ابتدا توجیهات درسی و کاری پیدا می‌کند اما معمولاً به مرور فراتر از آن می‌رود. گفته می‌شود این ناهمگونی فرهنگی، به‌دلیل التقاط فرهنگ اسلام با فرهنگ غرب یا ناسازگاری سنت با مدرنیسم به وجود آمده است.

از سویی، جامعه برخی ارزش‌ها و هنجارهای زندگی مدرن را پذیرفت و از سوی دیگر، در صدد حفظ برخی سنت‌های بومی و هنجارهای اسلامی برآمد که حاصل آن، ناهمانگی و ناکارآمدی نظام فرهنگی است. (جوان، ۱۳۸۷: ۱۷۲) نکته دیگر آنکه افزایش اختلاط میان نامحرمان، بالارفتن سن ازدواج، برهم خوردن تعادل جمعیتی میان دختران و پسران، بالا رفتن آمار طلاق و افزایش شمار زنان مطلقه، گسترش

فرهنگ غرب و افزایش تحریک‌های موجود در جامعه از طریق فیلم‌ها و سی‌دی‌های مبتدل، اینترنت و ماهواره، شیوع اعتیاد به مواد مخدر و قرص‌های روان‌گردان نوع رابطه با جنس مخالف را با چالش اساسی مواجه کرده است.

با توجه به هنجارها و ارزش‌های اسلامی به نظر می‌رسد نسبت فضای فرهنگی موجود در جامعه اسلامی ایران با فضای مطلوب و ایدئال قابل بررسی است و اهمیت این بررسی و ارائه راه حل مناسب در حل این مسئله در دانشگاه‌ها ضروری‌تر به نظر می‌رسد.

### تعريف و کوشه‌شناسی

«روابط دختر و پسر»<sup>۱</sup> از نوع ارتباط با دیگران است که فرد با جنس مخالف خود ارتباط برقرار می‌سازد و می‌تواند شامل انگیزه‌های مختلفی باشد، برخی از آن انگیزه‌ها منحصر به روابط معمول اجتماعی، و بعضی مبتنی بر علائق دوستانه با اهداف گوناگونی مانند تفریح، لذت، آرامش، کنجکاوی و ازدواج بوده، دارای پیامدهای گوناگونی‌اند.

برخی رابطه با جنس مخالف را در دو نوع روابط اجتماعی معمول میان دو جنس و روابط مبتنی بر پیوندخواهی جنسی بیان کرده‌اند و مبتنی بر دیدگاه شارع مقدس نیز این روابط به مشروع و نامشروع تقسیم شده است.

### یک. روابط معمول اجتماعی میان دو جنس

در این نوع روابط، انگیزه‌های غیر جنسی زیربنای روابط‌اند و نوع رفتار به تناسب آن از محرک‌ها و جنبه‌های خاص جنسی فاصله می‌گیرد. روابطی مانند روابط اقتصادی، علمی و هر رابطه‌ای که در آن انگیزه جنسی غالب نیست، از این نوع روابط‌اند. ممکن است در برخی موارد این گونه روابط نیز، دچار آسیب شده و با انگیزه جنسی همراه گردد و به عبارتی، از شکل مشروع خارج شده جهت ارتباط از ضرورت‌های اجتماعی به اراضی امیال شهروی تغییر کند.

### دو. روابط مبتنی بر پیوندخواهی جنسی

در این نوع رابطه، بهره‌مندی جنسی انگیزه اصلی پیوندخواهی است. دو طرف، رابطه یکدیگر را وسیله‌ای برای بهره‌مندی اقتصادی یا علمی و مانند آن نمی‌بینند، بلکه انگیزه اصلی این ارتباط اراضی گرایش‌های جنسی و بهره‌برداری عاطفی یا جنسی از طرف مقابل است. به تبع چنین انگیزه‌ای، رفتارها نیز با

1. Relationshipe Between Girls & Boys.

انگیزش‌های جنسی همراه خواهد بود؛ نگاه‌های معنادار، تغُّل، لمس و دیگر رفتارهایی که در آنها غلبه انگیزه جنسی مشهود است، از مصاديق این رابطه‌اند. (جوان، ۱۳۸۷: ۲۰ - ۲۲) از نظر شرع مقدس اسلام این نوع رابطه نامشروع است. اسلام هرگونه رابطه جنسی را که فردی با شخصی غیر از همسر شرعی اش برقرار کند، نامشروع می‌داند، حتی اگر این‌گونه ارتباطها در حد رد و بدل شدن نگاه‌ها یا صحبت‌های آمیخته با انگیزه‌های جنسی و شهوانی باشد. (همان: ۳۸ - ۳۷) در برخی احادیث این‌گونه ارتباطها (اموری مانند نگاه، لمس و بوسیدن)، شعبه‌هایی از زنا دانسته شده است.

عن أبي جعفر و أبي عبدالله ع قالا: «ما من أحد و هو يصيّب حظًّا من الزنا، فزنا العينين  
النظر و زنا الفم القبلة و زنا اليدين اللمس، صدق الفرج ذلك أو كذب». (حر عاملی،  
۱۳۹۷ق: ۲۰ / ۱۹۱ / ح) (۲۵۳۹۶)

هیچ‌کس نیست مگر اینکه بهره‌ای از زنا را می‌برد زیرا زنای چشمان نگاه، و زنای دهان بوسیدن و زنای دستان لمس کردن است خواه زنای فرج صورت پذیرد یا خیر.

با توجه به رویکرد شارع مقدس برداشت‌های گوناگونی از آموزه‌های اسلام درباره روابط با جنس مخالف و چگونگی آن در جامعه وجود دارد و این برداشت‌ها با توجه به اینکه اکثر جوانان در ارضی غریزه جنسی به ادله گوناگون دچار مشکل بوده، این مسئله فکر آنها را به خود مشغول کرده است. (جوان، ۱۳۸۷: ۱۸۸) افزون بر این بسیاری از جوانان مجرد بوده مبتنی است ضمن آنکه دختران و پسران دانشجویی هستند که حداقل در محیط دانشگاه مجبورند ارتباط نسبتاً مستمری با جنس مخالف خود داشته باشند. لذا اینها به عنوان ضرورت ارتباط تلقی لذا ارتباط با جنس مخالف همواره مورد توجه آنان قرار گرفته است.

براساس پژوهشی که صورت گرفت و در آن روابط مبتنی بر پیوندخواهی جنسی مورد توجه قرار گرفت و مشخص شد ملاک این نوع روابط توجه به جذایت‌های جنسی طرفین و امکان برقراری روابط عاطفی‌ای خارج از حریم‌های دینی است که متضمن پیامدهای مخرب فراوان است.

**دیدگاه‌های مختلف درباره روابط دختران و پسران**  
به طور کلی سه دیدگاه در خور توجه در این خصوص مطرح است:

#### یک. دیدگاه اضطرار یا روابط محدود (نظریه سختگیرانه)

براساس این دیدگاه باید روابط به حداقل ممکن رسیده و تنها در صورت ضرورت و اضطرار، رابطه‌ای - حتی روابط معمول اجتماعی - برقرار شود. به عبارت دیگر، وقتی رجحان و سودی لازم گردد یا وانهادن آن

به پیشرفت و آسایش مادی و معنوی انسان اخلال وارد کند، آن ارتباط ضرورت می‌یابد و ایرادی ندارد، ولی تا به این مرحله نرسیده باشد، بهتر است از هرگونه ارتباط پرهیز شود.

ادله مخالفین روابط آزاد یا دیدگاه اضطرار

### ۱. استناد به آیات

قرآن به حدود روابط دو جنس مخالف را با یکدیگر توجه نموده، برخی آیات نیز، به نوع پوشش، نگاه، گفتار و رفتار اشاره کرده‌اند. به عبارت دیگر، با برقراری روابط آزاد یا معمولی با رعایت محدوده روابط بسیار مشکل یا ناممکن است؛ چنان‌که برخی آیات به غیر ممکن بودن آن اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال طبق بیان قرآن، حضرت یوسف ﷺ اگر برهان الهی را مشاهده نکرده بود، جذب زلیخا می‌شد. «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ؛ آن زن قصد او کرد؛ و او نیز - اگر برهان پروردگار را نمی‌دید - قصد وی می‌نمود» (یوسف / ۲۴) و آیه «فَالَّرَبُّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيِّي مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفُ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ؛ (یوسف / ۳۳) [یوسف] گفت: پروردگارا زندان نزد من خوش‌تر است از آنچه مرا بدان می‌خوانند، و اگر نیرنگ آن زنان را از من نگردانی به آنها گرایم و از نادانان باشم.»

لذا این آیه نشان می‌دهد دشواری حفظ حریم اقتضا می‌کند حتی پیامبر خدا هم به خدا از این مسئله پناه ببرد و به طریق اولی نشان‌دهنده ضرورت اجتناب از هر ارتباطی است.

### ۲. استناد به روایات

روایات فراوانی از معصومین ﷺ بر این دیدگاه دلالت دارند. مثلاً از حضرت فاطمه ؑ منقول است که می‌فرماید: «برای زنان بهتر است که هیچ مردی را نبینند و هیچ مردی نیز آنها را نبینند.» (حر عاملی، ۱۳۹۷ق: ۱۴ / باب ۱۲۹ / ح ۳)

یا نامه ۳۱ حضرت علی ؑ خطاب به امام حسن ؑ که می‌فرماید: «و در پرده‌شان نگاه دار تا دیده‌شان به نامحرمان نگریستن نیارد که سخت در پرده بودن آنان را از - هر گزند - بهتر نگاه دارد، و برون رفتنشان از خانه بدتر نیست از بیگانه که بدو اطمینان نداری و او را نزد آنان در آری». (نهج البالغه، ۱۳۷۶: ۳۰۷)

برخی با استناد به روایاتی که مردان را از ابتدا کردن به سلام نسبت به زن نهی کرده است، به سیره معصومین و اولیای الهی تمسک می‌کنند. (حر عاملی، ۱۳۹۷ق: ۱۴ / باب ۱۳۱ / ح ۲ - ۱)؛ مثلاً اینکه امیرالمؤمنین ؑ با زنان جوان سلام نمی‌کردند. (همان: ح ۳) یا بعضی به این مسئله فقهی که در

اسلام حضور زن در نماز جمعه و عیدین واجب نشده است یا کراحت شرکت زنان در تشیع جنازه را بیان می‌نمایند.

### ۳. ایجاد مشکلات روحی و روانی

نوجوانان و جوانانی که به طریق غیر مشروع و غیر متعارف با جنس مخالف، رابطه دوستانه برقرار می‌کنند، آسیب می‌بینند. این آسیب در بعد روانی به صورت مشترک بین دختران و پسران دیده می‌شود. آسیب روانی در دختران در صورتی که بی‌وفایی از طرف مقابل بینند، آنان را تا مرز افسردگی پیش می‌برد. آنان شأن و کرامت خود را آنچنان آسیب‌دیده می‌انگارند که از خود متنفر شده، پیوسته احساس بی‌ارزشی می‌کنند که این خود، یک آسیب روانی<sup>۱</sup> برای دختران بشمار می‌رود.

افرات در ارتباط با غیر هم‌جنس در پسران نیز، موجب بروز رفتارهایی می‌شود که با جامعه ناهمانگ است؛ رفتارهایی مانند بی‌علاقگی به درس، عدم موفقیت در کار، بی‌ثباتی در کاری معین که این‌گونه افراد را مستعد بزهکاری می‌کند. (احمدی، ۱۳۷۸: ۶ - ۷)

برخی روابط به صورت پنهانی صورت می‌پذیرد که با استرس و فشار روانی همراه‌اند؛ ترس از بر ملا شدن روابط در خانواده و جامعه، عامل ایجاد این فشار روحی و روانی است. در بعضی موارد شدت فشارهای عصبی و روانی بر آنها به مرحله‌ای می‌رسد که دست به خودکشی می‌زنند. و این در حالی است که والدین و خانواده نیز از این مشکلات بی‌بهره نیستند.

### ۴. تضعیف بنیان خانواده

معمولًاً یکی از اهداف برقراری ارتباط بین جوانان، ازدواج است. طی پژوهشی میدانی نگارنده بین دانشجویان، بیشتر آنان در پاسخ به این پرسش که به نظر شما هدف اصلی برقراری ارتباط با جنس مخالف چیست؟ از میان گزینه‌های ازدواج، آرامش، تفریح، کنجکاوی و لذت، گزینه ازدواج، و پس از آن به ترتیب، آرامش، لذت، کنجکاوی و تفریح را برگزیدند.

با توجه به شواهد آماری مشخص شده است که به دلایل مختلفی از جمله فشار مسائل عاطفی به جای بحث‌های عاقلانه، تکیه بر جذایت‌های ظاهری و غیر واقعی و توجه به وقایع گوناگون، اکثر این ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد. (بنگرید به: جاودانی، ۱۳۸۲: ۸۷ - ۸۸) بنابر آمار، ۷۶ درصد طلاق‌های زیر سه سال و ۸۹ درصد کل طلاق‌ها، از آن کسانی است که خود، بانی آشنایی شده‌اند و با وجود مخالفت خانواده، بر ادامه آن پا فشیده‌اند. (جون، ۱۳۸۷: ۱۹۵) به عبارت دیگر، حتی روابطی که در نهایت به تشکیل خانواده منجر

1. Psychic Damage.

می‌شود نیز، با آسیب‌هایی مانند ایجاد شک و تردید، سوء ظن نسبت به همسر، مشکل اضطراب و تنوع طلبی و خطر برگشت به عادات پیشین و لغزیدن در فساد همراه است. (بنگرید به: فقیهی، ۱۳۸۷: ۱۵۶) با توجه به آمار گزارش شده از کشورهای غربی - در حالی که روابط کاملاً آزاد است - به حداقل رسیدن ازدواج‌ها، افزایش طلاق‌ها و زندگی‌های مشترکی که خارج از دایره ازدواج صورت می‌پذیرد بسیار درخور توجه‌اند؛ چراکه همه موارد مجبور به سستی بنيان خانواده می‌انجامند. (بنگرید به: وتیز، ۱۳۸۳: ۴۱ - ۴۰)

##### ۵. افت شدید تحصیلی

یکی از بارزترین عارضه روابط نامشروع جنسی، شکست تحصیلی دختران و پسران است. با توجه به ماهیت و مکانیسم یادگیری، هر فرآگیر می‌باشد به طور مستمر در جهت هرچه غنی‌تر ساختن دانش پایه خود در تمامی دروس و یادگیری‌های معنادار تلاش کند و مسلم است که دستیابی به آن تنها با داشتن هدفمندی بالا و شفاف، و بهره‌مندی از فکری فعال و تمرکزی درخور ممکن می‌شود. در این مسیر به نظر می‌رسد گرایش‌های عاطفی به جنس مخالف یکی از عوامل مختلط‌کننده تمرکز حواس دانش‌آموزان (یا دانشجویان) نوجوان (و جوان) است.

نتیجه تحقیقات و مطالعات بیانگر گستردگی دامنه تأثیرپذیری و آسیب‌پذیری روابط غیر اخلاقی است که ایجاد تزلزل در تحصیل و آموزش یکی از تأثیرات شایع آن است؛ حال آنکه این گونه روابط با ایجاد دغدغه‌های ذهنی و سلب آزادی‌های فکری همراهاند و پژوهش‌های میدانی صورت گرفته در این زمینه نیز، مؤید این مسئله است. (خطیبی، ۱۳۸۴: ۳۳ - ۳) این عارضه در برخی موارد به ترک تحصیل و گوشه‌گیری نیز می‌انجامد.

##### ۶. سستی ایمان و تأثیر منفی بر صفاتی باطن

در متون اسلامی عبادت و دین داری جوان اهمیت و جایگاه خاصی دارد؛ در حالی که بیشتر روابط نامشروع جنسی در جوانی اتفاق می‌افتد که افزون بر بی‌رغبتی نسبت به عبادت باعث سستی عفت در فرد و جامعه می‌گردد. (بنگرید به: کشوری، ۱۳۸۷: ۱۱۱) عده‌ای نیز معتقدند، نظریه اخلاقی وجود حریم بین زن و مرد در شریعت اسلام، مبتنی بر حقایق تکوینی است و از مبادی تفکر کلامی و فلسفی سرچشمه می‌گیرد. یعنی اگر حریم نباشد، روح انسان در معرض جاذبه تکوینی قرار گرفته، جاذبه‌های مثبتی که برای تکامل روح لازم است از او سلب می‌شود؛ چراکه توجه به جمال‌های محدود، روح انسان را از جذبه بهسوی جمال مطلق باز می‌دارد. انفکاک محیط‌های زنانه از مردانه سبب می‌شود روح انسان از جاذبه‌های کاذب جنسی در امان بماند و انسان با چشم فرو بستن از جمال‌های محدود، به جمال مطلق و تعالیٰ حقیقی دست یابد و

سرعت سیر او در مدار رسیدن به فلاحت بیشتر شود. (صالحی، ۱۳۸۵: ۱۷۲ – ۱۷۳) ازاین‌رو، برخی از عرفا از ارتباط با جنس مخالف حذر نموده و به حداقل اکتفا می‌نموده‌اند.

#### ۷. لطمہ‌پذیری بیشتر دختران

هرچند عوارض برقراری ارتباط نامشروع گریبان هردو جنس را می‌گیرد، براساس همه شواهد تجربی، دختران در این زمینه آسیب‌پذیرترند. اگر آسیب‌های این گونه روابط را به سه قسم روانی، اجتماعی و تربیتی تقسیم کنیم، به‌جرئت می‌توان گفت، در هر سه بعد، دختران بیش از پسران آسیب‌پذیرند. (احمدی، ۱۳۸۷: ۷) براساس تحقیقات علمی بین دختران و پسران در برقراری ارتباط با جنس مخالف تفاوت ماهوی وجود دارد. بسیاری از زنان قبل از اینکه رابطه جنسی بخواهند، خواستار رابطه عاطفی و عاشقانه‌اند. (آن و باربارا پیز، ۱۳۸۴: ۲۸۲) درحالی‌که طبق آمارهای موجود این نیاز در اکثر موارد برآورده نمی‌شود و در بیشتر مواردی که تأمین می‌شود نیز، در درازمدت به شکست می‌انجامد. (جوان، ۱۳۸۷: ۱۹۵)

معمولًاً در چنین روابطی خشونت جنسی علیه زنان گزارش می‌شود. همچنین با توجه به اینکه غالباً دختران هدف از برقراری چنین روابطی را ازدواج می‌پنداشند و معمولًاً نیز این اتفاق نمی‌افتد، بیشترین خسارت را خصوصاً اگر کام‌جوبی جنسی نیز اتفاق افتداد باشد، دختران از آن خواهند برد. (بنگرید به: بی‌نا، ۱۳۸۴: ۲۳ – ۲۲)

#### ۸. پیامدهای منفی روابط با جنس مخالف

هرچند همه موارد مذبور از پیامدهای این گونه روابط بشمار می‌آیند، موارد فراوان دیگری را می‌توان نام برد که از عوارض ارتباط با جنس مخالف‌اند؛ ازجمله: ایجاد نا‌هنگاری‌های جنسی مثل استمناء و استشهاء، هم‌جنس‌گرایی، زنا و روپیگری، نظربازی، حیوان‌بازی، آزارگری جنسی، آزارخواهی جنسی، یادگارپرستی، بچه‌بازی و نمایشگری. (بنگرید به: فقیهی، ۱۳۸۷: ۳۰۳ – ۳۵) افزایش فرزندان نامشروع، سقط جنین، اعتیاد به مشروبات الکلی، بزه‌کاری‌های مختلف بر اثر ناکامی‌ها و مشکلات روانی، افتادن در دام کام‌جوبی‌های بدلي، تأخیر در سن ازواجه، خانواده‌های تک‌والدینی، ازدیاد مفاسد، جرم و جنایات، شایع شدن بدحجابی، مزاحمت‌های خیابانی و دیگر نا‌هنگاری‌های فرهنگی و اجتماعی و تضعیف اجتماع.

#### دو. دیدگاه اختلاط یا روابط آزاد (نظریه سهل‌گیرانه)

نظریه اختلاط به دو صورت افراطی و معمولی مطرح می‌شود. صورت‌بندی کلی دیدگاه مذبور این است که زن و مرد، هردو انسان‌اند و هر انسانی نیاز به ارتباط دارد و اگر در ارتباط، جنبه‌های انسانی در نظر

گرفته نشود، انحطاط و تباہی به دنبال می‌آورد. پس اگر در تربیت دختر و پسر به جنبه انسانی آنها تکیه شود و آن دو از یکدیگر تمایز نشوند، زمینه ارتباط‌های غلط برطرف می‌شود. در وجه افراطی قضیه این گونه روابط محدوده‌ای ندارند و حتی اختلاط جنسی هم، ممکن است. اما در صورت معمولی آن، محدودیت‌های شرعی و عرفی باید رعایت شوند. براساس این نظریه، اختلاط به معنای اختلاط جنسی نیست؛ از این‌رو، اختلاط پسرها و دخترها الزاماً انحراف جنسی به بار نمی‌آورد. (بانکی‌پورفرد، ۱۳۸۰: ۲ / ۶۸۴)

#### ادله موافقین بر قراری روابط آزاد - اختلاط

##### ۱. آرامش روانی و کاهش التهاب‌ها

اگر روابط آزاد باشد، حساسیت‌ها و التهاب‌ها فروکش کرده، آرامش روانی استقرار می‌یابد. زیرا انسان را از هرچه منع می‌کنند به آن حریص‌تر می‌شود. (مقمی حاجی، ۱۳۸۰: ۳۳) راسل می‌گوید:

هر آن قدر که تمایلات جنسی را بیشتر دچار احتقان و خفغان کنند، قدرت تمایلات جنسی شدیدتر خواهد شد. ۹۰٪ انگیزه خواندن و دیدن مطالب و عکس‌های رکیکی که با امور جنسی مرتبط می‌شود، نتیجه منع اخلاقیون از دیدن و خواندن آنها می‌باشد و ۱۰٪ بقیه امور جسمانی است که ممکن است در اثر وضعیت قانون تغییر حالت پیدا کند و به صورت دیگری تجلی نماید. در این زمینه با کمال تأسف باید بگوییم که اکثریت با من هم عقیده نیستند ولی با تمام ثبات و اطمینان می‌گوییم که در این امور هیچ قانونی نباید وضع شود که سبب نهی و توقیف مطالبی از این‌گونه شود. تحریم بر هنگی یکی از عواملی است که سبب می‌شود که انسان برداشتی کافی از امور جنسی نداشته باشد. (راسل، زناشویی و اخلاق، ۱۳۷۳ - ۱۳۴۰، به نقل از: محمد قاسمی، ۸۲: ۱۳۷۳)

براساس معتقدات راسل یکی از مهم‌ترین وظایف والدین آشنا کردن فرزندان از بدو طفولیت با مسائل جنسی است؛ زیرا در غیر این صورت امور جنسی برای آنها در هاله‌ای از خرافات و پلیدی‌ها پیچیده خواهد شد. همچنین دولت باید از سانسور که در قانون وضع شده است، دست بردارد؛ در غیر این صورت التهاب‌ها در سطح جامعه افزایش می‌یابد. (همان)

بنابراین نظر اگر حریم‌ها برداشته شود و روابط آزاد باشد، التهاب‌ها از میان رفته، آرامش جایگزین آن می‌شود. این دیدگاه را براساس دیدگاه سوم نقد خواهیم کرد.

##### ۲. استحکام پیوند خانوادگی

لازمه دوام و استحکام زندگی، عشق است و عشق جز با آموزش و تجربه‌های متعدد و ایجاد روابط

حاصل نمی‌شود. بنابراین دختر و پسر باید قبل از ازدواج تمرين عشق کنند تا بتوانند زندگی سرشار از عشق را تدارک ببینند. (مقیمی حاجی، ۱۳۸۰: ۴۴) براساس این نظریه اگر میان دختر و پسر رابطه‌ای نباشد و طرفین از هم شناختی نداشته باشند، ازدواج آنها کورکورانه خواهد بود و این‌گونه ارتباط‌ها باعث انتخاب ناآگاهانه در ازدواج می‌شود؛ زیرا بدون برقراری ارتباط پسر و دختر در جامعه آنها برای انتخاب درست دچار مشکل می‌شوند. چراکه بهدلیل نداشتن درک صحیحی از جنس مخالف افزون بر عدم توانایی شناخت خصوصیات مثبت و منفی ظاهری و باطنی در ازدواج، از شناخت کامل شریک زندگی آینده خود ناتوان خواهد بود. (بانکی‌پور، ۱۳۸۰ / ۶۸۶: ۲) در این نظر ادعا می‌شود وقتی در جامعه‌ای فرد با افراد مختلف ارتباط داشته باشد می‌تواند کمبودهای همسرش را جبران کند و به فکر جدایی یا نگرانی‌های دیگر نیفتند.

بنابراین طرفداران این دیدگاه وجود هرگونه حریمی را بین دو جنس در جامعه مردود می‌دانند و حتی اعتقاد دارند جداسازی دختران و پسران در جامعه و دانشگاه، افزایش سن ازدواج، ازدواج‌های تحملی و ازدواج‌های ناموفق را در پی خواهد داشت.

### ۳. احساس نیاز به محبت و ابراز شخصیت

از جمله نیازهای فطری انسان نیاز به روابط اجتماعی، محبت، تأیید و احترام است. در بررسی‌های انجام شده درخصوص علل برقراری ارتباط با جنس مخالف خصوصاً در جوانان به ارضای نیازهای مزبور اشاره شده است.

برخی از پسران، داشتن دوست دختر را نوعی توفیق و قدرت اجتماعی تلقی می‌کنند. از این‌رو برای نشان دادن قدرت خویش، سعی می‌کنند بهنحوی با دختران ارتباط برقرار سازند. دختران نیز داشتن رابطه با پسران را نوعی جاذبه بهشمار می‌آورند. (احمدی، ۱۳۸۷: ۶)

همچنین دختران و پسرانی که در خانواده نیاز به محبت و ابراز شخصیتشان ارضاء نمی‌شود، از راههای دیگر به ارضای آن خواهند پرداخت که برقراری ارتباط با جنس مخالف یکی از آن راههای است. در بررسی علل روابط دختر و پسر گفته شد، دختر یا پسر جوان دانشجویی که وارد فضای دانشگاهی می‌شود به پذیرفته شدن محیطی تمایل داشته، در صورت عدم پذیرش ازسوسی تشکل یا گروهی خاص ممکن است به جنس مخالف پناه آورده، از این طریق درصد پر کردن خلوت‌ها و برآوردن نیازهایش برآید. (منصوری‌نژاد، ۱۳۸۴: ۶۹)

بنابراین با توجه به همه مسائل، این کشش درونی و نیاز شدید به محبت و مهربانی در جوانان از این طریق می‌تواند ارضاء شده، باعث شکوفایی استعدادهای آنها شود.

#### ۴. ایجاد فرصت‌های برابر جنسیتی در زمینه‌های مختلف

اگر ارتباط‌ها آزاد باشد، هر دو جنس دارای فرصت‌های برابر شغلی، آموزشی، فرهنگی، بهداشتی و ... خواهد بود؛ و در صورت محدود شدن روابط، این فرصت‌ها از بین خواهد رفت و معمولاً زنان در این بین قربانی خواهند شد. (مقیمی حاجی، ۱۳۸۰: ۷۴) روایت افراطی این نظریه فمینیست‌های مدرن است که معتقدند باید دیواری نفوذناپذیر بین جهان زنانه و مردانه ایجاد نمود. آنها می‌پنداشند انفکاک محیط‌های زنان از مردان سبب دستیابی زنان به پیشرفت‌های بهتر و والاتری خواهد شد. (بنگرید به: صالحی، ۱۳۸۵: ۱۵۹)

#### ۵. جلوگیری از افزایش مفاسد و ایجاد امنیت بیشتر در جامعه

اگر دختران و پسران نتوانند آزادانه در محیط اجتماعی با یکدیگر ارتباط برقرار نمایند، این ارتباط به صورت پنهانی و دور از نظارت خانواده و اجتماع ایجاد شده، بهدلیل پنهان‌کاری، دختران بیش از پسران لطمeh خواهند دید:

محدودیت روابط در اجتماع، ارتباط دختر و پسر را به خانه کشانده است. اما باز هم دختران بی‌آنکه از امنیت حضور در محیط خانواده برخوردار باشند در جستجوی معاشرت‌های اجتماعی آزادانه‌تر هستند ... . (کلوموروتزی و صادقی، ۱۳۸۶)

از طرف دیگر در چنین وضعیتی دختران بهدلیل محدودیت در روابط آزاد به پرورش جاذبه‌های جنسیتی در جامعه می‌پردازند و آستانه تحریک‌پذیری جامعه را بالا می‌برند؛ اما چون فرصت ارضا برای پسران وجود ندارد، آنها به کام‌جوبی‌های بدлی و ناهنجاری‌های جنسی کشیده می‌شوند. بنابراین برداشته شدن محدودیت‌ها و رشد سطح فرهنگ جامعه، موجب افزایش ضریب امنیت و کاهش مفاسد و جرم و جنایت خواهد شد.

#### ۶. اوضاع حاکم بر جامعه جهانی

اوضاع حاکم بر جامعه جهانی، جدایی دو جنس را از هم ناممکن کرده است. زیرا عصر حاضر، عصر ارتباطات و اطلاعات است. از این‌رو، همان‌گونه که در این عصر، فرهنگ‌ها، ادیان و مذاهب به گفتگو و ارتباط میان هم تن داده‌اند، پس پیروی از الگوی جهانی، باید ارتباط و مصاحبت میان همه افراد بشر، فارغ از جنسیت، نژاد، رنگ، دین و مذهب را باید پذیرفت. (نیکزاد، ۱۳۸۳: ۱۲۲) در غیر این صورت، از آنجا که نیاز به ارتباط و رفت‌وآمد با کشورهای دیگر قطعی است، فردی که فضای محدود را تجربه کرده و تجربه رویارویی آزاد با جنس مخالف را ندارد با وارد شدن در جوامع باز، یکباره زمینه انحراف یا انزوای او فراهم خواهد شد و ... .

### سه. دیدگاه معتدلانه (نظريه مشهور)

این دیدگاه، درحقیقت نقدی بر دو دیدگاه قبل است. براساس این نظریه، از دیدگاه اسلام زن و مرد دارای هویتی انسانی بوده، برپایه این هویت می‌توانند باهم ارتباط و تعاملات اجتماعی داشته باشند. بنابراین مرد باید در زیرساخت‌های فکری خویش تصویر درستی از زن به عنوان یک شخصیت ارجمند، پاک و با کرامت داشته باشد و زن نیز باید در روساخت‌های رفتارش که وجوده ارتباطی او را در پوشش، گفتار و حرکات نمایان می‌سازد، حرمت و کرامت زن بودن خود را نشان دهد. (نيکزاد، ۱۳۸۳)

ادله معتقدان به دیدگاه اعتدال یا معروف

#### ۱. استناد به آیات

قرآن کریم در بسیاری از موارد در روابط زن و مرد از کلمه معروف استفاده کرده است. این واژه در قرآن ۳۸ مرتبه تکرار شده است که نوزده بار آن درباره ارتباط با زنان است، گویی معیار و میزان، معروف بودن روابط است. مثلاً در آیه نوزدهم سوره نساء آمده است: «وَعَشِرُوهُنَّ يَالْمَعْرُوفِ» با زنان به طور شایسته معاشرت کنید. براساس این نظریه قرآن مردان را در ارتباط و معاشرت با زنان به معروف امر می‌کند. «معروف» به معنای هر عملی است که افکار عمومی آن را عملی شناخته شده بداند و با آن مأнос باشد و با ذائقه‌ای که اهل هر اجتماع از نوع زندگی اجتماعی خود به دست می‌آورد، سازگار باشد. این واژه، متضمن هدایت عقلی، حکم شرعی، فضیلت اخلاقی و سنت‌های ادبی و انسانی است و چون اسلام شریعت خود را براساس فطرت و خلقت بنا کرده است، «معروف» همان‌چیزی است که مردم آن را معروف بدانند، البته مردمی که از راه فطرت و از مقتضای نظام خلقت منحرف نگردیده باشند. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۴ / ۲۴)

براساس این تعریف، معیار را در روابط زن و مرد روشنی است که جامعه با در نظر گرفتن راهنمایی عقل و شرع و فطرت می‌پسندد. علامه طباطبایی در تفسیر آیه «وَقُلْنَا قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب / ۳۲) «قول» را به معنای مطلق معاشرت، و محتوای آیه را خطاب به همه زنان می‌داند؛ هرچند همسران پیامبر مخاطب اولیه آیه‌اند. (همان: ۱۶ / ۴۶۱) طبق این آیه سخن گفتن زنان با مردان نفی نشده بلکه درخصوص آن به معروف امر شده است.

سخن معمول و مستقیم بگویید، سخنی که شرع و عرف اسلامی، (نه هر حرفی) آن را پسندیده دارد، و آن سخنی است که تنها مدلول خود را برساند. (یا همراه کرشمه و ناز نباشد). (همان: ۴۶۲)

طبق این بیان، وظیفه زنان در معاشرت با مردان نیز، رعایت مبنای معروف است؛ یعنی قرآن با صراحة هم به مردان و هم به زنان تأکید کرده است که بر مبنای معروف با جنس مخالف رفتار کنند. شواهدی دیگر نیز در قرآن وجود دارد که اصل ارتباط و معاشرت زن و مرد را می‌پذیرد ازجمله آیاتی که در ارتباط حضرت موسی<sup>علیه السلام</sup> و دختران شعیب آمده و مبتنی بر ضرورت و معیارهای اخلاقی و ایمانی دارد.

## ۲. اصل اعتدال در اسلام

اسلام دین فطرت (روم / ۳۰) و فطرت مبتنی بر اعتدال بوده، از افراط و تفریط گریزان است. بنابراین اسلام در مسئله ارتباط دختر و پسر یا زن و مرد نه سخت‌گیرانه هرگونه ارتباط گفتاری، دیداری و شنیداری را ممنوع کرده و نه ولنگارانه و تساهل‌مآبانه هرگونه ضابطه و حریمی را در ارتباط با دو جنس مخالف - غیر محaram - بی‌اعتبار دانسته است. (نیکزاد، ۱۳۸۳: ۱۲۷) آیات و روایات فراوانی ازجمله آیه ۱۴۳ سوره بقره و آیه یک سوره حجرات مؤید این نظرند.

در ادامه این استدلال گفته می‌شود، معمولاً در طرح دیدگاه‌های دینی، باید بر آنچه در متون دینی آمده و از جانب خدا و پیشوایان دینی گفته شده است، پایبند و ملتزم بود و از اعمال سلیقه شخصی بهشت پرهیز کرد. حضرت امیرالمؤمنین<sup>علیه السلام</sup> در حکمت ۱۰۵ نهج البلاغه می‌فرماید:

خداؤند حدود و مرزهایی قرارداده است، از آنها تجاوز نکنید؛ محترماتی قرار داده، آنها را نقض نکنید! واجباتی قرار داده آنها را ترک نکنید؛ و درباره چیزهایی سکوت کرده است (نه آنها را حرام کرده و نه واجب) این سکوت از روی فراموشی نبوده بلکه خواسته است شما در آن موارد آزاد باشید. سپس شما خود را در آن زمینه‌ها به تکلف و مشقت نیندازید و از پیش برای خودتان، تکلیف درست نکنید.

پیامبر اکرم<sup>علیه السلام</sup> نیز می‌فرماید:

خداؤند دوست دارد، آنچه را اجازه داده و ممنوع نکرده است، انجام دهند و از پیش خود آن را ممنوع نشمارند؛ همان‌گونه که دوست ندارد آنچه را نهی کرده و ممنوع دانسته است، انجام دهنند. (جامع الصغیر، ۱۳۷۹: ۱۹ / ۵۶۳)

براساس مستندات فوق می‌توان گفت، در اسلام همچنان که حریم‌های اختلاط مشخص می‌شود، اصل ارتباط نهی نمی‌گردد. از این‌رو نمی‌توان به احتیاط تمسک کرد و رأی به حرمت هرگونه ارتباط داد؛ زیرا ایجاد محدودیت و ممنوعیت بیش از آنچه شارع مقدس فرموده است، خود، عامل مهمی برای بی‌بندوباری و مرزشکنی است؛ زیرا این‌گونه تصور می‌شود که پایبندی به مقررات و حدود شرعی، عملی

بسیار دشوار و بلکه غیر عملی است و چاره‌ای جز بیندوباری و مرز شکنی نیست. (نیکزاد، ۱۳۸۳: ۱۲۹) مسلماً نظریه اختلاط نیز مردود است زیرا این نظریه به طور کامل با آیات و روایات فراوان و فتاوی فقهاء ناسازگاری دارد. آیات و روایات متعددی در باب لزوم رعایت عفاف، حفظ حریم و ممنوعیت اختلاط با جنس مخالف و حرمت خلوت زن و مرد نامحرم و تبرّج و خودآرایی زنان در خارج آمده است. همچنان که این نظریه نه با تجربه و واقعیت‌ها سازگار است و نه با علم همخوانی دارد؛ (همان: ۱۲۲ - ۱۲۳) بنابراین، بهترین راه اعتدال یا انتخاب راه میانه است که قرآن آن را ویژگی امت اسلامی معرفی می‌کند. (بقره / ۱۴۳)

### ۳. سیره انبیا و ائمه

موارد زیادی در تاریخ گزارش شده است که معصومین ﷺ با افراد بیگانه معاشرت داشته‌اند. برخی از این گزارش‌ها در قصص قرآنی آمده است مانند: مراقبت زکریا از حضرت مريم (آل عمرن / ۳۷)، ملاقات حضرت سلیمان با بلقیس (نمل / ۴۲)، گفت‌و‌گوی حضرت موسی با دو دختر شعیب. (قصص / ۲۵ - ۲۳) صاحب وسائل الشیعه در این زمینه می‌گویند:

از مجموعه روایات استفاده می‌شود که برای زنان رواست که برای مجالس عزا یا برای انعام حقوق مردم یا تشییع جنازه بیرون روند و در این مجتمع شرکت کنند؛ همچنان که فاطمه ۷ و نیز زنان ائمه اطهار ۷ در مثل این موارد شرکت می‌کردند. (حر عاملی، ۱۳۹۳: ۱ / ۷۳)

روایاتی از معصومین ﷺ نیز مؤید همین نکته است؛ مثلاً اجازه شرکت زنان مسلمان برای مداوای مجروحان در جنگ خیر. (همان: ۷ / ۶۷۴)

افرون بر این سیره بزرگان دین از جمله: خطبه غرّای حضرت زهرا ۷ در مسجد پیامبر ۷، سخنرانی حضرت زینب ۷ در کوفه و شام در جمع عمومی مردم و مجلس یزید و سلام کردن پیامبر و حضرت امیر ۷ به زنان، (همان: ۱۴ / ۳ - ۱) تأیید و تشویق اسماء دختر یزید انصاری توسط پیامبر بهجهت سخنان شیوه، گفت‌و‌گوی حضرت زهرا ۷ با صحابه پیامبر، از جمله سلمان، بلال، معاذ بن جبل، جابر بن عبد الله انصاری و خلفای اول و دوم مؤید مطلب فوق است. (کلینی: ۵ / ۵۲۸؛ حر عاملی، ۱۳۹۳: ۳ / ۲۷)

### ۴. نداشتن معایب نظریه اضطرار و اختلاط

نگرانی‌هایی که منتهی به نظریه اضطرار می‌شود، در اینجا بدون آنکه عوارض نظریه اضطرار را داشته باشد، لحاظ شده است. در جایی که خصوصیت زن و مرد یا سن آنها یا وضع محیط برای یکی از آنها لغزش‌آور باشد، بدون جلوگیری از ارتباط‌های متعارف و مستحسن خلاف عرف شمرده می‌شود؛ افزون بر

اینکه عواملی که نظریه اختلاط به عنوان نکات مثبت آن را دنبال می کرد نیز، در نظریه معروف تأمین می شود؛ یعنی هماهنگی با عرف بین الملل یا فرهنگ های دیگر - تا آنجا که اخلال در شرع، عقل و طبع انسان نداشته باشد - تأیید می شود و با منفی نگری، حرص و التهاب نمی آفریند و ارتباط های خارج از محدوده عقلی، شرعی و عرفی را مردود می شمارد. (بانکی پور فرد، ۱۳۸۰: ۲ / ۶۹۵)

### ارزیابی و تحلیل دیدگاهها

۱. سه دیدگاه فوق براساس معیارهایی که عقل و دین ارائه می کند قابل بررسی و ارزیابی است. به نظر می رسد بین دیدگاه های سه گانه رویکرد اعتدالی موافق دین، شریعت و عقلی است که به تأیید شارع مقدس رسیده است. با این وصف در بین این سه رویکرد نقاط مشترکی نیز موجود است.

براساس دیدگاه های پیش گفته اصل ارتباط و تمتع جنسی رد نمی شود؛ بلکه در قالبی خاص قرار می گیرد. شاهد قرآنی این مدعای (ارتباط مقید و مشروط) آیه ۲۳ سوره قصص است که به داستان برخورد موسی ﷺ با دختران شعیب می پردازد. (بنگرید به: منصورزاد، ۱۳۸۴: ۵۲ به بعد) اما متون دینی به صراحة روابط بی قید و شرط و آزاد را رد می کنند. قرآن به این گونه روابط (خدن) می گوید و گرچه این لفظ مفرد و جمع نمی پذیرد، به علت دلالت بر کثرت و زیادی، آن را در صیغه جمع (اخدان) می آورد. به عبارت دیگر وقتی کسی به منظور فحشا و زنا دوستی می گیرد به او و به مثل او قناعت نمی کند؛ چون نفس آدمی حریص است اگر قرار باشد خواست نفس را برآورد و از آن اطاعت کند، حتماً دوستان زیادی را برای فحشا می گیرد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴ / ۴۴۳) مسئله دوست گیری بین عرب حتی در بین زنان آزاد و بردۀ آنان متداول بود و مردم کسی را به این جهت ملامت و مذمت نمی کردند. (همان) بنابراین خداوند در آیات ۲۵ سوره نساء و ۵ سوره مائدۀ، ازدواج با این افراد را ممنوع کرد.

به عبارت دیگر از جمله عواملی که امروزه در شیوع رفتارهای نابهنجار جنسی بسیار مؤثر است «اختلاط دختر و پسر» در مراکز آموزشی، مجالس و دیگر مراسم گروهی است. پیامبر ﷺ با اشاره به این عامل می فرماید: «هیچ چیزی را مربوط به زمان های بعد خطرناک تر از اختلاط و ارتباط مردان با زنان نمی بینم». (النوری الطبرسی، ج ۱۴۰۸: ۱۴ / ۳۰۶)

۲. نکته مهمی که باید در بحث روابط دختر و پسر بدان توجه کرد، گلوگاه آن است. به نظر می رسد جوهره بحث به هویت جنسی دختر و پسر بازمی گردد نه هویت انسانی. دختر و پسر در هویت انسانی مشترک و در هویت جنسی از هم متمایزند. از این رو، در تعریف بایسته های روابط آن دو باید به این نکته توجه کرد. برخی معتقدند در حیطه هویت انسانی (که وجه اشتراک دختر و پسر است)، تعامل و ترابط

بلامانع است، اما برای اینکه این ارتباطات از آفات و آسیب‌ها مصون بمانند، رعایت برخی قیود و حدود ضروری است. (منصوری نژاد، ۱۳۸۴: ۶۸)

۳. گفته شد که هر رابطه‌ای از جنس نامشروع، از دیدگاه اسلام حرام است. اما حتی همه روابط اجتماعی مشروع هم در همین اندازه باقی نمی‌مانند. افلاطون معتقد است اساساً بدون وجود رابطه جنسی میان زن و مرد، دوستی بهندرت اتفاق می‌افتد و بدان حد نادر که حکم عدم باشد. (جاودانی، ۱۳۸۲: ۴۵) بنابراین هرچند تصور دوستی صمیمی میان دختر و پسر، بدون وجود انگیزه‌های جنسی، تصور محالی نیست، عملی شدن چنین رابطه‌ای چندان عقلانی نیست؛ زیرا دیدار و تماس‌های بصری و کلامی، نگاه‌های دوستانه همراه با خنده و شوخی و ابراز علاقه زیاد میان دو جنس، معمولاً موجب تحریک جنسی می‌شود. با وجود تحریک‌های مداوم تضمینی وجود ندارد که انگیزه‌های جنسی به صورت ناخودآگاه به وجود نیاید؛ به همین دلیل احتمال انحراف در چنین روابطی بالاست. این انحرافات صرفاً جنسی نیستند بلکه می‌توانند خروج از حدود شرعی نیز باشند مکالمه، نگاه و ... که تنها اختصاص به مجردین نیز ندارد. ابوبصیر می‌گوید:

به زنی قرآن تعلیم می‌دادم، پس با او به چیزی شوخی کردم؛ سپس نزد ابی جعفر رفتم.  
ایشان فرمود: چه چیزی به آن زن گفتی؟ رویم را پوشاندم. حضرت فرمود: به‌سوی او بازنگرد. (حر عاملی، ۱۳۹۷ / ۱۴ / ۱۴۴)

۴. بین چند نظریه‌ای که شرحش گذشت، نظریه اعتدال از همه مقبول‌تر به نظر می‌رسد. در پژوهش‌های میدانی به عمل آمده توسط نگارنده‌گان در محیط‌های دانشجویی، ۷۲/۱ درصد دانشجویان یعنی ۱۷۳ نفر از ۲۴۰ نفر آنها در پاسخ به این سؤال که با کدام یک از عبارات زیر موافق هستید، از بین چهار گزینه ارتباط کاملاً آزاد با جنس مخالف، منع شدید ارتباط، ارتباط با جنس مخالف در صورت لزوم وجود ارتباط میان دو جنس با رعایت اعتدال و میانه‌روی، گزینه آخر یعنی اعتدال را انتخاب نموده بودند و ۱/۷ بدون پاسخ، ۷/۱ گزینه منع شدید، ۱۳/۸ گزینه در صورت لزوم و ۵/۵ آنها گزینه ارتباط آزاد را انتخاب کرده بودند.

همچنین تحلیل آزمون نشان داد ۱۲۷ نفر از ۲۴۰ نفر یا ۵۳/۲ درصد از دانشجویان گرایش‌های بالایی به برقراری ارتباط، و ۴۶/۸ درصد گرایش میانه و پایین‌تری به آن نشان داده‌اند. هرچند گرایش دخترها به رابطه با جنس مخالف نسبت به پسرها منفی‌تر بود، تفاوت معنی‌داری از این لحاظ با یکدیگر ندارند. به‌حال از نظر نگرش، همه دانشجویان نگرش متوسطی نسبت به این موضوع داشتند.

اما در بعد بررسی وضعیت باورهای مذهبی دانشجویان در خصوص چگونگی روابط، کمترین نمره ۹ و

بیشترین آن ۳۰ ارزیابی شد و میانگین نمره ۱۹/۳ و انحراف معیار آن ۴/۷ بود. نتیجه‌نهایی نشان داد ۱۲۴ نفر یعنی ۵۱/۹ درصد باورهای مذهبی متوسط، و ۱۰۱ نفر یعنی ۴۱/۸ درصد باورهای مذهبی قوی‌تری داشتند. به عبارت دیگر، باورهای مذهبی بیشتر دانشجویان در این باره متوسط و نیازمند آموزش‌های دینی و مذهبی ارزیابی شد.

با این تحلیل می‌توان اصل وجود ارتباط براساس ضرورت را پذیرفت ولی وجود آسیب‌های موجود باید به‌واسطه قوت بخشیدن به مبانی اعتقادی و دینی دانشجویان و آموزش رفع و رجوع گردد.

به نظر می‌رسد اسلام اصل اولیه در روابط بین زن و مرد را کاهش و تقلیل می‌داند. اسلام معتقد است به‌دلیل وجود جاذبه‌های جنسی که میان زن و مرد وجود دارد، ارتباط این‌دو در معرض انحراف است؛ هرچند این انحراف در سطح گفت‌وگو و نگاه باشد؛ بدین‌صورت که احساس هریک از زن و مرد، در گفت‌وگو و مراجعه با نامحرم، با زمانی که با هم جنس خود گفت‌وگو می‌کند متفاوت است؛ از این‌رو، اسلام به جهت پیشگیری از آلوده شدن روابط مشروع اجتماعی به روابط نامشروع، به کاهش روابط زن و مرد نا محروم توصیه، و تنها به موارد لازم و ضروری آن اکتفا کرده است.

در روایت معروف حضرت زهرا<sup>ع</sup> که می‌فرماید: «بهتر است برای زنان که مردان آنها را نبینند و آنان نیز مردان را نبینند» کلمه خیر<sup>\*</sup> (بهتر) به کار رفته است؛ یعنی هرچند ممنوعیت کلی برای نگاه زن و مرد وجود ندارد، هرچه روابط با جنس مخالف کمتر باشد، بهتر است. همچنین سیره قطعی و مستمر متشرعه، دلالت بر رجحان کاهش ارتباط دارد.

افرون بر اینکه به نظر می‌رسد اجرایی کردن نظریه اعتدال در برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی دچار مشکل شود؛ زیرا، با عادی‌سازی روابط و اکتفا به توصیه‌هایی شرعی نمی‌توان انتظار داشت زن و مرد در محیط‌های دانشجویی، سازمانی و اداری بهویژه میان جوانان که در اوج نیاز جنسی و تمایل به جنس مخالف‌اند، روابط کاملاً سالم و مشروعی داشته باشند. چنین فرهنگی قابلیت تحقق خارجی ندارد. (بازتاب اندیشه، ۱۳۸۳: ۴۲ - ۴۳)

نقدهای فوق نسبت به نظریه اعتدال، به منزله تأیید نظریه اضطرار نیست؛ بلکه می‌تواند ما را به اصل دیگری تحت عنوان «رعایت اعتدال با رویکرد تقلیل و کاهش روابط زن و مرد» برساند. به عبارت دیگر، ضمن پذیرش روابط معمولی اجتماعی در حد لزوم، با استفاده از عوامل فرهنگ‌ساز و برنامه‌ریز در جامعه مانند نخبگان، اندیشمندان و هنر، باید در جهت کاهش حداقلی روابط در مجتمع عمومی کوشید. البته اگرچه نظریه اعتدال در برخی عرصه‌ها بنا به مصالح و ضرورت‌ها ممکن است اجرایی نباشد، در بیشتر عرصه‌ها می‌توان به عملیاتی شدن آن امیدوار بود.

بنابراین به نظر می‌رسد درخصوص ارتباط جوانان با جنس مخالف خود از جمله دانشجویان با توجه به احتمال بالای پیدایش آسیب‌ها در روابط معمول اجتماعی، بهتر است بنا بر تقلیل ارتباطات و به حداقل رساندن آن گزارده شود و برای پیوندخواهی جنسی با انگیزه ازدواج با آگاهی خانواده در فرآیند زمانی مشخصی تعریف، و در صورت نیاز به آشنایی‌های عمیق‌تر و بیشتر، صیغه محرومیت بین آنان جاری گردد.

۵. نظریه معروف با استفاده از آیات قرآن رویکرد معتدلانه را دنبال نمود. در تبیین این نظر گفته شد که عرف تعیین‌کننده معروف است. اما نقد وارد بر آن عبارت است از:

در تبیین حد و مرزهایی که در لسان شرع آمده است، جای مراجعه به عرف نیست. فقیه می‌بایست موضوعات احکام را از حیث مفهومی، با مراجعه به منابع لغوی و روایی روشن سازد و حکم شرعی آن مفهوم را بیان نماید. آنگاه مکلفین با توجه به مفهوم بیان شده توسط فقیه، مصادیق خارجی آن مفهوم را تشخیص دهند. فقیه در مسئله معروف بایستی حدود مفهوم معروف را به خوبی بیان نماید و لذا نمی‌توان در فهم اینکه معروف یعنی چه و خصوصیات معروف چیست به عرف رجوع کرد. (همان)

### راهکارهای تعديل و کنترل

با این وصف با توجه به آسیب‌های موجود در رویکرد اعتدال جهت هموار کردن آسیب‌ها و مشکلات باید با آموزش و ارتقا مهارت دانشجویان در مواجهه سالم با جنس مخالف، آنها را در کنترل و تعديل غریزه جنسی یاری رساند. لذا در دو محور این امور قابل ارائه‌اند:

#### یک. کنترل و تعديل غریزه جنسی

غریزه جنسی یکی از نیازهای مهم فیزیولوژی هر انسان بهخصوص پس از دوره بلوغ و در دوران جوانی است. اما مسلماً فرصت برآورده کردن آن در مقطعی امکان‌پذیر نیست. ازین‌رو، ازسویی متولیان باید عوامل تحریک‌آمیز جامعه را به حداقل ممکن برسانند و از سوی دیگر جوان در چنین برده‌ای با خوبی‌شتن داری نفس خود را کنترل نماید.

اما در صورت فراهم بودن امکانات، ازدواج دائم بهترین راهکار بوده، در موارد خاص با در نظر گرفتن آسیب‌های احتمالی آن خصوصاً نسبت به بانوان (بنگرید به: رافعی، ۱۳۸۲) ازدواج موقت یا صیغه محرومیت، به منزله گزینه دوم، می‌تواند مناسب باشد.

#### دو. آموزش

به نظر می‌رسد چگونگی ایجاد رابطه با جنس مخالف و تعیین محدوده آن، برای افراد خصوصاً جوانان

ابهام‌آمیز باشد. در پژوهش میدانی انجام شده، ۶۸٪ از دانشجویان به این پرسش که آیا گذراندن دوره‌های آموزشی خاص درباره احکام شرعی مربوط به روابط با جنس مخالف ضرورت دارد؟ پاسخ مثبت دادند و ۲۱/۳ آنها گزینه نظری ندارم و ۹/۶ پاسخ منفی را برگزیدند و ۱/۳ نیز به این پرسش پاسخی ندادند. این نکته مسئله لزوم آموزش برای افزایش آگاهی نسبت به روابط سالم و آسیب‌زا را کاملاً تأیید شده است.

دختر و پسری که در رابطه‌ای متقابل قرار می‌گیرند ممکن است در معرض فعالیت‌های مضر زیادی قرار گیرند که وجود عشق مفرط در رابطه، به آسیب‌های احتمالی و واقعی آن توجه ندارند. در چنین روابطی معمولاً آسیب‌های از نوع جنسی، جسمی و هیجانی محتمل است و حتی ممکن است افراد ناخواسته در موقعیت‌های خطرناک مانند تجاوز جنسی و بارداری ناخواسته قرار گیرند. اگرچه هم پسران و هم دختران ممکن است به یکدیگر آسیب وارد کنند، شیوع این کار از جانب پسران علیه دختران مزمن و شدیدتر است. (هیکمن - براون ۱۹۹۹؛ لوی، ۱۹۹۷، به نقل از: یوسفی، اشرف و هویدا فر، ۱۳۸۶: ۸۹)

از این‌رو، طرح‌های زیادی در کشورهای اروپایی - امریکایی برای آموزش روابط سالم با عناوین گوناگونی مانند: انتخاب سالم‌تر، انتخاب مغروانه، کاهش خطر اجرا و ... صورت پذیرفته است. (همان: ۹۰) پژوهشی در کشور با عنوان «بررسی اثر آموزشی روابط سالم بر افزایش آگاهی دختران در روابط آسیب‌زای دختر و پسر» انجام گرفت که نتیجه آن بیانگر تأثیر آموزش روابط سالم بر افزایش آگاهی دختران از روابط آسیب‌زای دختر و پسر بوده است. نتیجه این تحقیق با سایر تحقیقات آموزشی که در سراسر جهان به‌منظور کاهش آسیب‌های ناشی از روابط، صورت گرفت همخوانی دارد. امتیاز این تحقیقات در پی‌گیری‌های بلندمدت و اثرات ماندگار آنهاست. نتیجه برخی از این پژوهش‌ها حاکی از ادامه اهداف آموزشی مزبور تا ۳۱ ماه پس از آموزش بوده است. هرچند به‌دلیل تفاوت فرهنگی و شدت و عمق مشکلات در کشورهای دیگر، محتوای جلسات آموزشی کاملاً متفاوت است، این پژوهش‌ها حاکی از تأثیر آموزش‌ها در افزایش رفتار سالم با توجه به فرهنگ خاص آن جامعه‌اند. (همان: ۸۷ - ۶۵)

هرچند نکات فوق دربرگیرنده آموزش تربیت جنسی در بین جوانان است، با توجه به مسلمان بودن اکثر افراد در کشور، نیاز به آموزش‌های دینی در بین آنها به‌شدت وجود دارد. به عبارت دیگر، محدوده بسیاری از حلال‌ها و حرام‌ها در احکام مربوط به نگاه، پوشش، رفتار، گفتار و ... برای عموم مردم ناشناخته است. تربیت رفتار اجتماعی افراد مستلزم حداقل دو عامل مهم است: شناخت صحیح و درست الگوی مناسب رفتار اجتماعی؛ و ارائه صحیح این الگو به افراد. (احمدی، ۱۳۷۸: ۶۵ به بعد)

در همین راستا نکته حائز اهمیت اینکه غفلت از موضوع مهم آموزش باعث می‌شود در سال‌های آینده سمت‌وسوی برنامه‌های آموزشی کشور ما نیز مانند کشورهای دیگر بیش از آنکه در جهت آموزش

روابط سالم باشد جهت‌گیری جنسی داشته، به بستری برای آشنایی با وسائل پیشگیری از بارداری، بیماری‌های مقاربته، آموزش کاربرد آنها و شیوه‌های افزایش به کارگیری این ابزارها تبدیل شود. (یوسفی و همکاران، ۹۵: ۱۳۸۶)

بنابر موارد گفته شده، به نظر می‌رسد می‌توان الگوی مطلوب دینی در ارتباط دختر و پسر، یعنی «ارتباط مقید و مشروط» – نه نفی ارتباط به صورت مطلق و نه وجود ارتباط آزاد – را آموزش و آن را به خصوص در فضاهای دانشجویی که ضرورتاً این ارتباط اجتناب‌ناپذیر است نهادینه کرد.

### نتیجه

بی‌تردید در اجتماع گریزی از روابط معمول اجتماعی نیست. آنچه سنت و سیره معصومین و بزرگان نیز از آن حکایت می‌کند منع وجود هرگونه رابطه‌ای بین دو جنس مخالف نیست؛ اما براساس دیدگاه معتقدانه صرف از آنجا که هم امکان تفسیرهای گوناگون از آن وجود دارد و هم رابطه بین طرفین به دلیل جاذبه‌های جنسی و کشش‌های عاطفی به مرور دستخوش تغییرات می‌شود؛ نمی‌توان آن را کاملاً مطابق با دیگاه دینی دانست؛ بنابراین، بهتر است اصل تعديل در روابط را با رویکرد کاهش دنبال نمود. در همین راستا از جمله اساسی‌ترین راههای رسیدن به مطلوب دین، آموزش صحیح و استفاده از خویشتن‌داری و ترویج ازدواج آسان است. در غیر این صورت، هریک از دیدگاه‌های افراطی و تفریطی ویرانگر بوده، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به جامعه وارد خواهد ساخت.

دانشگاه‌ها اصلی‌ترین صحنه رقابت‌های علمی‌اند که اگر در آن روابط سامان نیابد شاهد کاهش راندمان علمی خواهیم بود. بنابراین، ایجاد محیطی علمی، اخلاقی و پویا از جمله وظایف متولیان است تا در بستر آن ضمن رسیدن به اهداف آموزشی، نسل جوان و فرهیخته از آسیب‌های دوره جوانی در امان باشند.

### منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ۱۳۷۶، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. ابویا عمران، فرخناز، ۱۳۸۱، بررسی تاریخ جرایم جنسی از دوران باستان تاکنون، ساری، رنگارنگ.
۴. احمدی، علی اصغر، ۱۳۸۷، تحلیلی تربیتی بر: روابط دختر و پسر در ایران، تهران، سازمان انجمن اولیا و مریان.
۵. احمدی، محمدرضا (با همکاران جمعی از محققان)، ۱۳۸۴، روابط پسر و دختران (پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی)، قم، معارف.

۶. اکبری، ابوالقاسم، ۱۳۸۷، مشکلات نوجوانی و جوانی، تهران، رشد و توسعه.
۷. بانکی پور فرد، امیرحسین، ۱۳۸۰، «تحلیلی بر روابط دختران و پسران دانشجو»، مجموعه مقالات هم‌ندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان: اولویت‌ها و رویکردها، ج ۲، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۸. پیز، آلن و باربارا، ۱۳۸۴، آنچه زنان و مردان نمی‌دانند (حقایقی درباره برقراری ارتباط با جنس مخالف)، ترجمه زهرا افتخاری، تهران، نسل نو اندیش.
۹. جاودانی، نیاز، ۱۳۸۲، روابط دختر و پسران در جامعه امروز، تهران، کتاب درمانی.
۱۰. جمعی از نویسندهای (محمد تقی اسلامی، احمد دبیری، مهدی علیزاده)، ۱۳۸۸، اخلاق کاربری چالش‌ها و کاوشهای نوین در اخلاق علمی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۱. جوان، عبدالله، ۱۳۸۷، بررسی روابط دختر و پسر در ایران، قم، دفتر عقل.
۱۲. حجازی، بنفشه، ۱۳۷۶، به زیر مقنه (بررسی جایگاه زن ایرانی از قرن اول هجری تا عصر صفوی)، تهران، علم.
۱۳. ———، ۱۳۸۱، ضعیفه (بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی)، تهران، قصیده سرا.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۹۷ ق، وسائل الشیعه، قم، مکتبة الاسلامية.
۱۵. خطیبی، شهلا، ۱۳۸۴، «شکست تحصیلی بارزترین عارضه دوستی و ارتباط دختران و پسران»، مجله پیوند، ش ۳۰۷.
۱۶. دلیریش، بشری، ۱۳۷۵، زن دوره قاجار، تهران، دفتر مطالعات دینی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۷. دیلمی و آذربایجانی، احمد و مسعود، ۱۳۷۹، اخلاق اسلامی، قم، دفتر نشر معارف.
۱۸. ذکایی، محمد سعید، ۱۳۸۶، فرهنگ مطالعات جوانان، تهران، آگاه.
۱۹. رافعی، طلعت، ۱۳۸۲، تحلیلی بر روان‌شناسی زن در ازدواج موقت، تهران، دانزه.
۲۰. رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۰، آناتومی جامعه، تهران، انتشار.
۲۱. صالحی، صدیقه، ۱۳۸۵، «اختلاط و انفکاک در محیط‌های اجتماعی زنانه و مردانه از مبانی اسلام تا فمینیسم پست مدرن»، فصلنامه بانوان شیعه، ش ۱۰.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴، المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۳. طبی، ناهید، ۱۳۸۰، «مشکلات دختران دانشجو؛ اولویت‌ها و رویکردها»، مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، اولویت‌ها و رویکردها، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۲۴. علم مهر جردی، نسرین، ۱۳۸۱، روابط دختر و پسر در جامعه کنونی ما، تهران، آن.
۲۵. فرهنگی، علی اکبر، ۱۳۸۸، ارتباطات انسانی، تهران، رسا.
۲۶. فقیهی، علی نقی، ۱۳۸۷، تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها، از نظر قرآن و حدیث، قم، دارالحدیث.
۲۷. کریمی، یوسف، ۱۳۷۴، روان‌شناسی شخصیت، تهران، ویرایش.
۲۸. کشوری، امین، ۱۳۸۷، حجاب من، بی‌جا، زهیر.
۲۹. کلو مورو توڑی، صادقی، فاطمه نورما و ابراهیم نسکافی، ۱۳۸۶، «دختران جوان ایران روایت‌های مدرن از نابرابری‌های سنتی»، کتاب زنان، ش ۱۴۹.
۳۰. کلینی، یعقوب، ۱۳۶۳، کافی، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. محمد قاسمی، حمید، ۱۳۷۳، اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۲. مطهری، مرتضی، بی‌تا، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، قم، صدرا.
۳۳. مظاہری، علی اکبر، ۱۳۷۷، خانواده ایرانی، ترجمه عبدالله توکلی، تهران، قصره.
۳۴. معاونت آموزش دادگستری قم، ۱۳۸۴، نگاهی به روابط دختر و پسر قبل از ازدواج، قم، نشر قضا.
۳۵. معصومی، سید مسعود، ۱۳۷۹، احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، قم، بوستان کتاب.
۳۶. منصوری نژاد، محمد، ۱۳۸۴، مسائل دختران (بحران هویت، روابط یا پسر، شکست در عشق و مسئله تربیت)، تهران، جوان پویا.
۳۷. النوری الطبرسی، حسین، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل بیت لاحیاء التراث.
۳۸. نیکزاد، عباس، ۱۳۸۳، «روابط زن و مرد از دیدگاه اسلام ترویج، تعطیل، تبدیل»، کتاب زنان، ش ۲۵.
۳۹. —————، ۱۳۸۳، «روابط زن و مرد از دیدگاه اسلام، ترویج، تعطیل، تبدیل»، بازتاب اندیشه، ش ۵۶ - ۵۵.
۴۰. ویتز، پل، ۱۳۸۳، «زوال خانواده»، بازتاب اندیشه، ش ۴۹.
۴۱. یوسفی، اشرف، زهرا هویدافر و رضوان محمد رضا، ۱۳۸۶، «سالم‌سازی روابط دختران و پسران» مجله تازه‌های روان درمانی (هیپنوتیزم)، ش ۴۴ - ۴۳.